

## بازتعریف دلالت «ثمانیه ازواج» در آیه ۶ سوره زمر با تکیه بر روابط معنایی شمار واژه «ثمانیه»<sup>۱</sup>

علی رضا فخاری\*

زهرا بشارتی\*\*، کورش صفوی\*\*\*، عباس اشرفی\*\*\*\*

### چکیده

در آیه ۶ سوره مبارکه زمر ضمن اشاره به آفرینش انسان از نفس واحد، بر نزول «ازواج ثمانیه» از چهارپایان در آیه «... وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ...» اشاره شده است. انتساب فعل «انزل» به «ثمانیه ازواج» منجر به ارایه دیدگاه‌هایی از سوی مفسران کلام الهی مانند یکسان‌انگاری «خلق» و «نزول»، «قراردادن بر روی زمین» و «تقدیر کردن» این حیوانات شده است. در حالی که به مفهوم ترکیب «ثمانیه ازواج» از منظر استعمال عدد «ثمانیه» و روابط معنایی آن با معدود، فعل همنشین و دیگر اجزای آیه توجه نشده است. این امر بررسی دیگر دلالت‌های محتمل «ثمانیه ازواج» را ضروری می‌نماید. بر این اساس عدد «ثمانیه» و معدود آن «ازواج»، از منظر ریشه‌شناسی و نمادشناسی در ادیان و فرهنگ‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفت. سپس این معانی با تکیه بر کاربردهای قرآنی تبیین شد و روابط معنایی این ترکیب با فعل همنشین «انزل» و سیاق آیه مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد «ثمانیه ازواج» بر معانی دیگری افزون بر معنای متبادر «هشت زوج از چهارپایان» نیز دلالت می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** ثمانیه ازواج، نزول، تعادل، ریشه‌شناسی، نمادشناسی، روابط معنایی، قرآن.

\* دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، fakhari.bsh@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، mrs.besharati@yahoo.com

\*\*\* استاد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، safavi\_korosh@yahoo.com

\*\*\*\* دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، dr\_ashrafi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱

## ۱. بیان مسئله

لازمه فهم صحیح یک متن، واکاوی دقیق کلمات و اصطلاحات به کار رفته در آن است. بدین سان که مدلول تک تک واژگان، ترکیب‌های استعمال شده در متن و نیز ارتباط منطقی اجزای درون آن بررسی شوند. از جمله آیاتی که فهم ژرف‌تر تعبیر بکاررفته در آن ضروری می‌نماید، آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ...» (زمر ۶۷) است. در قرآن کریم به آفرینش ازواج ثمانیه از چهارپایان اشاره کرده که مصادیق آن با عنایت به آیات ۱۳۳ و ۱۳۴ سوره انعام شامل چهار جفت از چهارپایان شامل میش و بز و شتر و گاو می‌شود. باید در نظر داشت سیاق قبل و بعد از «أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ»، آفرینش انسان از نفس واحده و مراحل خلقت او را با فعل «خلق» مورد توجه قرار داده در حالی که «ثمانیه ازواج» با همنشینی فعل «انزل» استعمال شده است. مفسران درباره اسناد «انزال» به «ثمانیه ازواج» دیدگاه‌های گوناگونی دارند. برخی انزال و خلق را یکی دانسته‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۱۴). دیدگاهی نیز وجود دارد که از «انزال» به «جعل» تعبیر کرده یعنی خداوند چهارپایان را بعد از خلق روی زمین قرار داده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۶۷۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۱۲۴). گروهی نیز رویکرد کلامی به آیه داشته‌اند. ایشان «نزول از آسمان» را وصفی از قضای الهی و تقدیر او دانسته‌اند بدان سبب که وجود یافتن هر موجودی در لوح محفوظ نوشته شده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۱۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۴۲۴). یا به تقدیر چهارپایان از خزینه‌های غیب ذیل این آیه اشاره کرده‌اند (طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۱۱، ص ۲۸۶؛ طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۷، ص ۲۳۸). در این میان رویکردی مجازی نیز به کاربرد «انزال» در آیه مشاهده می‌شود بدین سان که مجاز سبب و مسبب باعث شده تا نزول را به چهارپایان نسبت دهند (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۵۲۰؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص ۱۹۸). بر این اساس با عنایت به تفاوت تعبیر در انتساب افعال مربوط به آفرینش انسان و حیوان در آیه ۶ سوره زمر و از طرفی تاکید بر عدد «ثمانیه» و «زوجیت» و از دیگر سو اشاره به چهارپایان در سیاقی که قبل و بعدش خلقت انسان را مطرح نموده، لازم است واژگان و اجزای آیه فوق با نگرشی عمیق‌تر واکاوی شوند. لذا می‌توان با تکیه بر مفهوم‌شناسی دلالت‌های «ثمانیه» و روابط معنایی آن با سایر اجزای آیه از جمله فعل همنشین و معدود «ازواج» با تامل در قرآن، روایات و زبان عرب و استفاده از ریشه‌شناسی تاریخی واژگان در فرهنگ‌های

پیش از نزول قرآن و نیز بررسی نمادشناسانه واژگان در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، به این سوال که «دیگر دلالت‌های مقبول «ثمانیه ازواج» با نظر داشت روابط معنایی شمارواژه «ثمانیه» در آیه ۶ سوره زمر چیست؟» پاسخ داد.

## ۲. معنای واژه «ثمانیه»

با عنایت به مصادری که از دوران پیش از نزول قرآن گزارش می‌دهند، شمارواژه «ثمانیه» در زبان‌های عبری، سریانی و حبشی به معنای عدد هشت بوده و معانی دیگری برای آن ذکر نشده است (leslau، ۱۹۹۱، p803؛ costaz، ۲۰۰۲، p584؛ gesenius، ۱۹۳۹، p1033). واژه در زبان و فرهنگ عرب نیز حاکی از دلالت شمارواژه «۸» بر معنای شمارشی و عددی است («و أُتِّسَعَتُ الشَّيْءُ إِذَا كَانَ ثَمَانِيَةً وَ أُتْمَمْتَهُ تِسْعَةً») (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۲۵). چنین دیدگاهی در آرای دیگر لغویان و لغت‌پژوهان نیز مشاهده می‌شود (ابن سیده، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۷؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۶۰۹؛ زمخشری، ۱۹۷۹م، ص ۷۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۴۷). این در حالی است که برخی از این منابع به معنای شمارواژه «۸» با تکیه بر کاربردهایی از «واو ثمانیه» اشاره کرده‌اند (فیروزآبادی، بی تا، ج ۴، ص ۴۸۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۴۲۸). در شرح واو ثمانیه این گونه آورده‌اند که از ویژگی‌های زبان عرب، الحاق «واو» به هشتمین مورد است: واحد، اثنان، ثلاثه، اربعه، خمسه، سته، سبعة و ثمانیه. این «واو» دلالت دارد که عدد هفت در نزد ایشان کامل است (یعقوب، ۱۴۰۸ق، ص ۵۱۳). از این رو عرب وقتی به عدد هشت می‌رسد، واوی بر آن داخل می‌کند که به «واو ثمانیه» معروف است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۵۰۸؛ حریری، ۱۳۷۲، ص ۱۳۱). ابن هشام نیز در شرح واو ثمانیه کامل شدن عدد هفت و آمدن هشتمین مورد بعد از واو به عنوان استیناف را از قول حریری آورده است (ابن هشام، ۱۹۹۸م، ص ۴۷۴). بنابراین کاربرد «واو» به مثابه عدد شروع مجدد (اتحاد یک هفت تایی و یک شروع جدید) تعبیر کرد که ملهم معنای بازآفرینی است. دیدگاه‌های مختلفی نیز درباره استعمال یا عدم استفاده از این «واو» در قرآن نیز مطرح شده که در بخش کاربردهای قرآنی با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تتبع در منابع تاریخی و گزارشهای نمادشناسانه درباره «ثمانیه» از وجود معانی گوناگون برای این شمارواژه حکایت می‌کند. نظم و هماهنگی (کوپر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۷۱)، تعادل (شوالیه، گبران، ۱۳۸۷ش، ج ۵، ص ۵۴۶-۵۴۹) و قانونمندی طبیعی (شپرد، ۱۳۹۳ش،

ص ۲۵۹) اصلی‌ترین معانی نمادین برای عدد «هشت» در عموم فرهنگ‌هاست. این عدد به «عدد تعادل کیهانی» معروف است و از آن به «عدد جهات اصلی» تعبیر می‌شود. با عنایت به مفهوم تعادل و هماهنگی در عدد هشت است که خطوط یی‌چینگ و ستون‌های مینگ‌دانگ هشت‌تایی هستند و نمادگرایی تعادل مرکزی که در ضمن نمادگرایی عدالت معنی می‌دهد، در اگوداد (خدایان هشت‌گانه فیثاغورسی و غنوسی) باز یافته می‌شود (شوالیه، گریبان، ۱۳۸۷ش، ج ۵، ص ۵۴۶-۵۴۹). در معماری مقدس، سازه هشت‌ضلعی نگهدارنده معبد است (کوپر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۷۱؛ نورآقایی، ۱۳۹۳ش، ص ۸۳). عدد هشت از نظر سرخپوستان، عدد همه قوانین طبیعی است (شپرد، ۱۳۹۳ش، ص ۲۵۹). در گزارش‌های تاریخی از فرهنگ عرب جنوب شبه جزیره به این نکته اشاره شده که جهت حفظ تعادل، ستون‌های ساختمان‌های اصلی خودشان را هشت‌ضلعی و شانزده‌ضلعی که از مضارب هشت است، می‌ساختند (جوادی‌علی، ۱۳۹۱ش، ج ۱۵، ص ۳۹). «ثمانیه» نزد عرب فضیلت داشته، چون عددی است که از چهار دوتایی تشکیل شده که درون خویش مجموعه‌هایی مساوی دارد و به قول عرب: «کل مصنوع فیه التساوی اکثر، فهو افضل» (جمعی از نویسندگان ناشناس، رسائل اخوان الصفا، ۱۹۹۲م، ج ۱، صص ۲۱۴ و ۲۱۵).

«قدسیت» را می‌توان از دیگر معانی نمادین ذکر شده برای عدد هشت دانست (شیمل، ۱۳۹۵ش، صص ۱۷۳-۱۷۵؛ شوالیه، گریبان، ۱۳۸۷ش، ج ۵، ص ۵۴۶-۵۴۹؛ کوپر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۷۱؛ شپرد، ۱۳۹۳ش، ص ۲۵۹). این بدان جهت است که هشت برای برخی اقوام خوش‌یمن بوده و عدد خوشبختی است (کوپر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۷۱). در برخی آیین‌ها به خاطر تعداد درهای بهشت، ستون‌های مینگ‌دانگ، فرشتگان عرش و هشت وجه لینگا، بازوان و یشنو که هشت تا هستند و با هشت نگهبان فضا در ارتباطند، عددی مقدس انگاشته شده است. در فرهنگ آفریقایی نیز از تعداد هشت فرشته و نیا سخن گفته شده که خود را قربانی کردند تا زمان قطعی به وجود آمدن نسل بشر را بر روی زمین تضمین کنند (شوالیه، گریبان، ۱۳۸۷ش، ج ۵، ص ۵۴۶-۵۴۹). در اعتقادات چینی‌ها نیز عدد هشت، خوش‌یمن و جاودانه بوده و بر هشت شیئی ارزشمند دلالت می‌کند (شپرد، ۱۳۹۳ش، ص ۲۵۹). در کتاب مقدس، مسیح در موعظه روی کوه هشت بار از تعبیر «خوشا به حال» استفاده می‌کند؛ گویا تقسیم راه منتهی به سلامت ابدی به هشت، مفهومی نسبتاً جهانی است (شیمل، ۱۳۹۵ش، صص ۱۷۳-۱۷۵). تطهیر در سنت یهودی بعد از کامل شدن هفت روز و در روز هشتم انجام می‌شود (لاویان ۱۲: ۳).

عدد هشت به معنای آغازی در سطحی دیگر نیز بوده و از آن به عدد «شروع مجدد»، «اتحاد» و «رستاخیز» تعبیر شده است (شیمل، ۱۳۹۵ش، صص ۱۷۳-۱۷۵؛ کوپر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۷۱؛ نورآقایی، ۱۳۸۷ش، ص ۸۳). در شرح چرایی نامگذاری شروع مجدد به عدد هشت، آورده‌اند که با توجه به آفرینش نمونه نخستین انسان، عدد کمال، شکل دیگری از پایان و مرگ است و مفهوم «خلق دوباره» را با افزودن یک شماره به عدد کمال نشان می‌دادند (مالمیر، ۱۳۸۷ش، ص ۲۸۳). از آنجایی که هفت عدد کمال است، هشت یعنی هفت به اضافه یک، نماد شروع دوباره است؛ هشت یعنی تحقق آنچه هفت، آماده و کامل کرده بود (شیمل، ۱۳۹۵ش، صص ۱۷۳-۱۷۵). از این رو به ۸ عدد اتحاد نیز گفته شده که از اتحاد یک دسته کامل (عدد تامه) و آغاز دسته جدید ساخته می‌شود (شوالیه، گربران، ۱۳۸۷ش، ج ۵، ص ۵۴۶).

دیدگاهی نیز در ژاپن وجود دارد که وجه دیگر دلالت نمادین عدد هشت را معنای «فزونی و بی‌شماری» می‌داند. ژاپنی‌ها از دیرباز ژاپن را هشت جزیره بزرگ می‌دانستند در حالیکه ژاپن از تعداد بی‌شماری جزیره تشکیل شده است. این نگرش به عدد هشت در آیین و فرهنگ شینتویی نیز مشاهده می‌شود (همان). لذا با تکیه بر معنای «فزونی و بی‌شماری» برای شمارواژه «۸» نماد بی‌نهایت ریاضی را به شکل عدد هشت لاتینی طراحی کرده‌اند (همان، ص ۵۴۹).

بنابراین با عنایت به رویکردهای نمادشناسانه، معانی محوری «تعادل و قانونمندی»، «قدسیّت» و «فزونی و بی‌شماری» برای این شمارواژه متصور است. در این میان معنای نمادین «بازآفرینی» یا «شروع مجدد» در آیین‌ها و فرهنگ‌های مختلف، همسو با کاربرد «او» ثمانیه» در زبان و فرهنگ عرب مورد توجه قرار گرفته است.

### ۳. واژه‌شناسی «زوج»

واژه «زوج» (در قالب جمع) همراه با شمارواژه «ثمانیه» به شکل ترکیب «ثمانیه ازواج» در آیه ۶ سوره زمر استعمال شده است. از این رو بررسی این واژه از منظر ریشه‌شناسی و کاربردهای نمادشناسانه در فهم آیه ضروری است.

«زوج» در زبان‌های سامی (مثل عبری، آرامی تارگومی و سریانی) و دیگر زبان‌ها کاربرد داشته است. برخی چون جفری با تکیه بر وجود این واژه در دیگر زبان‌ها و قدیمی بودن کاربردهایش، غیر عربی بودن آن را نتیجه گرفته و بر این باور است که زوج، یک واژه

قرضی بسیار قدیمی است که از طریق زبان آرامی، از یونان گرفته شده است (جفری، ۱۳۷۲ش، ص ۲۳۸)؛ ولی صرف وجود یک واژه در زبان‌های قدیمی آن‌گونه که جفری وصف نموده، نمی‌تواند غیر عربی بودن آن را اثبات نماید. لذا می‌توان درباره وجود این واژه و کاربردهای معنایی آن در زبان‌های گذشته آگاهی یافت لکن نمی‌توان به سادگی در خصوص معرب بودن واژه زوج قضاوت کرد.

بررسی ریشه «ز - و - ج» در زبان‌های سامی، از معانی ترکیب کردن، پیوند دادن، وصل کردن و جفت کردن برای این واژه حکایت می‌کند. (Jastrow, 1903, vol 1, pp 383& 38).  
(Costaz, 2002, p 85; Mucuch, 1963, p 157; Brun, 1895, p ۴).

باید در نظر داشت در مقابل معانی یاد شده، برای ریشه زوج معانی دیگری در زبان‌های آرامی تارگومی و سریانی چون «جنگیدن»، «ارابه جنگی دو اسبی» و «قیچی» نیز گزارش شده (همان) که بر وجود نوعی تضاد و تقابل در ریشه این کلمه دلالت دارد. گزارش شیرزاد از دیدگاهی حکایت دارد که «قیچی» را معنای جامع تمامی مراحل فرآیند ساخت معانی گوناگون از ماده زوج می‌داند؛ چرا که قیچی از به هم پیوسته شدن و وصل شدن دو لبه به یکدیگر ساخته شده است. این ابزار تنها زمانی می‌تواند کارکرد خود را ایفا نماید که اولاً: دو لبه آن به صورت جفت و دوتایی عمل نماید (یک لبه بدون دیگری قادر به انجام برش در اجسام نخواهد بود) و ثانیاً: کارکرد این ابزار مرهون یک رابطه تضادی و تقابلی میان دو لبه آن است. به بیان دیگر جفت این لبه‌ها با ارایه یک نقش تقابلی با یکدیگر، توانایی ایفای کارکرد خود را خواهند داشت. بنابراین آنچه در قیچی مشاهده می‌شود، عدم وجود یک تضاد واقعی میان لبه‌های آن است. در واقع در قیچی یک تضاد قطبی که منجر به عدم ارتباط لبه‌های آن شود، وجود نداشته، بلکه از آنجایی که این تضاد یک تضاد متممی و مکملی است، امکان به هم بستن و به هم پیوستن این دو لبه به یکدیگر وجود دارد. لذا این تضاد ظاهراً قطبی حاکی از یک تقابل رقابت‌آمیز و خصومت‌آمیز میان آنها نیست؛ بلکه حکایت از یک تضاد مکملی و متممی دارد که از طریق پیوستن و وصل شدن آنها به یکدیگر، موجبات کامل شدن‌شانرا فراهم می‌آورد (شیرزاد، ۱۳۹۵ش، ص ۱۳۵). این دیدگاه، جهت تبیین معنای زوج و ایجاد ارتباط بین معنای پیوند دادن و جنگ و ضدیت از شرح و تحلیل کلمه قیچی استفاده کرده و تضاد در رابطه زوجیت را ضدیتی ظاهری دانسته است در حالی که با مراجعه به منابع و زبان‌های قدیمی‌تر از آرامی و سریانی، می‌توانست بدون نیاز به این شرح و تفصیل تکلف‌آمیز، رابطه معنایی مذکور را تفسیر نماید. به عنوان

نمونه وقتی سه حرف اصلی زوج در فرهنگ حبشی لسلاو مورد مطالعه قرار گیرد، این نتایج یافت می‌شود: «زوج» به معانی same و couple که همان معانی گزارش شده پیشین از جفت بودن و شباهت است و از همین ریشه «تزوج» به معانی be equal، be coupled، similar، ... است (p.p ۶۴۵، ۱۹۹۱م، leslau). با تأمل در این معانی می‌توان رابطه زوجیت را نوعی شباهت دانست و نیز آن را یک رابطه تعادلی دانست که از معنای equal حاصل می‌شود. بر این اساس زوجیت رابطه‌ای تعادلی است که میان دو قطب ایجاد می‌شود.

کلمه «زوج» در فرهنگ و لغت عرب نیز کاربردهای فراوان داشته است. لغویان به نمونه‌هایی از ازواج و دوتایی‌ها مانند زوج بودن کبوتران: «لفلان زوجان من الحمام»، لباس‌ها از حیث رنگ آنها: «زوج من الثیاب» اشاره کرده و از زوجیت به مقارنه دو شیئی تعبیر کرده‌اند (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۶۶؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۴۸؛ زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۸۰). همچنین به این نکته اشاره شده که به هر یک از طرفین، به تنهایی «زوج» اطلاق می‌شود: «الزَّوْجُ؛ امْرَأَةُ الرَّجُلِ وَ كَذَلِكَ الزَّوْجَةُ وَ الرَّجُلُ زَوْجٌ أَيْضاً.» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۴۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۹۱؛ مصطفوی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۳۶۰). بدیهی است همان معنای مشهور زوجیت از معنای فوق برداشت می‌شود. برخی لغویان به معنای دیگری از واژه «زوج» نیز اشاره کرده‌اند. ایشان عبارت «زاجا زوجا بینهم» را به معنای اختلاف‌افکنی میان طرفین در رابطه با زوجیت دانسته‌اند (ازهری، ۲۰۰۱م، ج ۱۰، ص ۳۳۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۸۵؛ فیروزآبادی، بی‌تا، ص ۱۹۲؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۹۶). هر چند اختلاف و تفاوت در رابطه زوجیت وجود داشته باشد، مقارنه و پیوندی که میان آن دو برقرار می‌شود، طرفین را در رابطه زوجیت به نوعی تعادل می‌رساند.

زوج یا جفت در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف معنای نمادین نسبتاً نزدیکی داشته است. «تضاد و کشمکش» اصلی‌ترین و اولین معنای نمادین این واژه در فرهنگ‌های مختلف بوده است (شوالیه، گریبان، ۱۳۸۷ش، ج ۳، صص ۲۶۸ و ۲۶۹؛ بهزادی، ۱۳۸۲ش، ص ۳۹۲؛ کوپر، ۱۳۹۲ش، ص ۱۰۹؛ نورآقایی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۵؛ شیمل، ۱۳۹۵ش، ص ۶۸). به عنوان نمونه دو قطبی‌گری نمادین در میان حیوانات نر و ماده وجود دارد (شوالیه، گریبان، ۱۳۸۷ش، ج ۳، صص ۲۶۸ و ۲۶۹). قطبیت در میان موجودات عالم با تقسیم رابطه داشته و سبب استمرار حیات مادی است. لذا از دوتایی‌ها به نماد قطبیت و تقسیم تعبیر شده است (شیمل، ۱۳۹۵ش، صص ۵۹ و ۶۱). جفت‌ها نماد دوگانگی‌هایی چون «خیر و شر» و «چپ و

راست» هستند (شپرد، ۱۳۹۳ش، ص ۳۵۸). لذا نوعی کشمکش در جفت‌های متضاد وجود دارد (بهزادی، ۱۳۸۲ش، ص ۳۹۲) که می‌توان از آنها به وحدت تضادها در جهان تجلی تعبیر کرد (کوپر، ۱۳۹۲ش، ص ۱۰۹). اشتراوس با رویکرد ساختارگرایانه، ضمن بررسی نمونه‌هایی از قبایل اندونزی و آمریکای شمالی، چنین نتیجه می‌گیرد که تضادها می‌توانند ملاک تعریف هویت برای گروه‌ها، کلاس‌های مفاهیم و در عین حال ملاک تعریف ابعاد ارتباطی میان دوقطب باشند. یعنی از خلال تضادهای آشنا و فراگیر میان ذهن ابنای بشر، ساختارهای مشابهی در شرق و غرب عالم در میان مردمان و قبایل ابتدایی شکل گرفته است (Lévi-Strauss, 1974, p. 161). کاربست این نظریه، موجب تجمیع معانی «تضاد» و «پیوندیافتن»، در مفهوم واحد «ساختار ناشی از تضاد» می‌شود. معانی نمادین دیگری نیز برای دوتایی‌ها مشاهده می‌شود. به عنوان مثال دوتایی‌ها، نماد قدرت مضاعف هستند (نورآقایی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۵). از آنها به نماد توازن و ثبات نیز تعبیر شده (شیمل، ۱۳۹۵ش، ص ۲۶۳) و گاهی نماد قدسیت هستند. به عنوان نمونه در اساطیر ژاپنی ایزاناگی و ایزانامی دوگانه مقدس (خواهر و برادر) هستند که مجمع الجزایر ژاپن و خدایان ژاپنی از ازدواج این دو به وجود آمده‌اند (نورآقایی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۵).

بر این اساس «زوجیت» در ادیان و فرهنگ‌های مختلف به معانی نمادین قطبیت، تقسیم، قدرت مضاعف، توازن، ثبات و تضاد و پیوند یافتن بوده است. در این میان فصل مشترک دیدگاه‌های ارائه شده در منابع لغوی عربی و غیر عربی و نیز فرهنگ‌های نمادشناسی واژگان درباره واژه «زوج» را باید مفهوم جفت بودن و پیوند یافتن دو شیء به سبب شباهتی که میانشان برقرار است، دانست. این پیوند با تقسیم منجر به استمرار حیات مادی می‌شود. طرفین در رابطه زوجیت حائز نوعی تفاوت و اختلاف نیز هستند بدون این که ضدیتی واقعی در کار باشد و در مجموع با پیوند زوجیت به تعادل می‌رسند.

#### ۴. کاربردهای قرآنی

شناخت معنای واژگان با تکیه بر موارد استعمال آنها در قرآن، از جمله اصلی‌ترین روش‌های فهم آیات و اصطلاحات قرآنی است. لذا در این بخش به مفهوم شناسی دو کلمه «ثمانیه» و «زوج» پرداخته می‌شود.



#### ۱.۴ ثمانیه

شمارواژه «۸» در پنج آیه از قرآن استعمال شده که در چهار آیه با لفظ «ثمانیه» و در یک آیه با لفظ «ثامنهم» به کار رفته است. «ثمانیه» با همنشینی «ایام» در آیه «سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ» (حاقه/۷) به هشت روزی دلالت می‌کند که عذاب الهی بر قوم عاد نازل شده است. برخی با عنایت به قرینه «حسوما» به معنای «تتابع و پشت سر هم بودن» از «ثمانیه ایام» در این آیه، مفهوم «کامل، پشت سر هم و بدون فرجه بودن روزهای عذاب» را برداشت کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۴۲۱). از سویی دیگر، نحس بودن این ایام با تکیه بر روایتی مرفوع از امام صادق (ع) مطرح شده است. بر این پایه روز چهارشنبه ابتدا و انتهای این هشت روز دانسته شده و از آن به نحس بودن این ایام تعبیر شده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۱۷؛ کاشفی سبزواری ۱۳۶۹ش، ص ۱۲۸۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۰۲). پشت سر هم بودن روزهای عذاب با عنایت به معنای شمارشی عدد «ثمانیه» می‌تواند ناظر به مدت زمان هشت روز باشد یا اینکه شامل یک مجموعه هفت‌روزه و شروع مجموعه‌های جدید باشد (عذاب‌های قبلی که در مدت هفت روز کامل شده و شروع عذاب‌های جدید در روز هشتم). از مفهوم اخیر، می‌توان نمادین بودن عدد اتحاد (یک دسته کامل و یک شروع جدید) یا طولانی بودن و فزونی ایام عذاب را برداشت نمود. چنین کاربرد نمادینی از عدد «ثمانیه» در بسیاری ادیان و فرهنگ‌ها نیز مشهود بوده که پیشتر از نظر گذشت (نک. شیمل، ۱۳۹۵ش، صص ۱۷۳-۱۷۵؛ کوپر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۷۱؛ نورآقایی، ۱۳۸۷ش، ص ۸۳). روایتی هم که به چهارشنبه بودن روز شروع و پایان عذاب و نحس بودن آن اشاره می‌کند، به جهت افتادگی سندی نمی‌تواند منبعی مطمئن تلقی گردد.

«ثمانیه» در آیه: «وَ الْمَلِكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ» (حاقه/۱۷) در ارتباط با حمل عرش الهی استعمال شده است. غالب مفسران با تکیه بر روایات سعی در یافتن معدود «ثمانیه» در آیه فوق کرده‌اند. به عنوان نمونه به روایتی از امام باقر (ع) استناد نمودند که چهار نفر از اولین: نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم‌السلام و چهار نفر از آخرین: محمد، علی، حسن و حسین علیهم‌السلام را حاملان عرش الهی دانسته و از عرش به علم تعبیر می‌کند: «حَمَلَةُ الْعَرْشِ ثَمَانِيَةٌ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَأَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ فَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ مِنَ الْأَوَّلِينَ فَنُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى، وَالْأَرْبَعَةُ مِنَ الْآخِرِينَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ع، وَ مَعْنَى يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ يَعْنِي الْعِلْمُ» (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۸۴؛

کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۷۴). همچنین اخباری نیز یافت می‌شوند که از ثمانیه در آیه به هشت صف از ملائکه تعبیر می‌کنند: «صفوف من الملائکه لا یعلم عددهم إلا الله» (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۰۰؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۳، ص ۴۱۳). از دیگر سو در برخی روایات نیز حاملان عرش الهی به جای هشت، چهار خلق از خلائق هستند به صورت‌های خروس، شیر، گاو و انسان:

أَنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ الْيَوْمَ أَرْبَعَةٌ وَاحِدٌ مِنْهُمْ عَلَى صُورَةِ الدَّيْكِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلطَّيْرِ وَ وَاحِدٌ عَلَى صُورَةِ الْأَسَدِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ تَعَالَى لِلسَّبَاعِ وَ وَاحِدٌ عَلَى صُورَةِ الثَّوْرِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ تَعَالَى لِلْبَهَائِمِ وَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ عَلَى صُورَةِ بَنِي آدَمَ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ تَعَالَى لِوَلَدِ آدَمَ عَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ صَارُوا ثَمَانِيَةً (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۷۰۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۰۴).

بر این اساس، تا روایات به لحاظ سندی و متنی مورد بررسی قرار نگیرند، نمی‌توان به سادگی به همنشین «ثمانیه» در آیه مذکور پی برد. لکن با توجه به وجود برخی روایاتی که از «ثمانیه» در آیه به «صفوف هشتگانه» تعبیر کرده‌اند، می‌توان معنای قدسیت را که در منابع نمادشناسی مورد توجه قرار گرفته تنها به عنوان یک احتمال در آیه مذکور لحاظ نمود.

آیه دیگری که شمارواژه ۸ در آن به کار رفته، آیه «سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ...» (کهف/۲۲) است. این آیه به برخی از اختلاف نظرها درباره تعداد اصحاب کهف پرداخته و سپس می‌گوید تعداد آنها را خداوند می‌داند. شمارواژه ۸ آنجا استعمال شده که قول برخی از مردم مبنی بر ۷ نفر بودن اصحاب کهف را آورده و آن‌گاه هشتمین ایشان را سگ آنها دانسته است. آنچه باعث شده برخی مفسران (قرطبی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۳۸۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۲۵۸؛ میدی، ۱۳۷۱ش، ج ۸، ص ۴۳۸؛ سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۳۸۶؛ بلاغی، بی‌تا، ج ۷، صص ۲۶۷ و ۲۶۸؛ عاملی، ۱۳۶۰ش، ج ۷، ص ۱۲۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۲، ص ۳۸۷؛ جعفری، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۸۱) شمارواژه ۸ در آیه مذکور را به گونه‌ای نمادین معنی کنند، آمدن «واو» قبل از ثامنهم است. ایشان با پذیرش نظریه «واو ثمانیه» آیات دیگری مانند «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه/۱۱۲) و «وَسَبِّحْ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا» (زمر/۷۳) را شاهد بر آن آورده‌اند. در آیه اول صفت ناهون از منکر هشتمین صفت ذکر شده در کلام است؛ از این جهت «واو» قبل از آن

به کار رفته است. نیز واوی که پیش از «فتحت ابوابها» به کار رفته، «ثمانیه» بوده و دلالت بر این می‌کند که بهشت دارای هشت در است (همان). استعمال «واو ثمانیه» در اشاره به سگ اصحاب کهف را می‌توان به مثابه شروع یک دسته جدید بعد از کامل شدن گروه انسان‌هایی که در غار بودند، دانست. در مقابل این قول، گروه دیگری از مفسران و نحویان به وجود «واو ثمانیه» در این آیات اشاره نکرده، «واو» را زائده یا عطف دانسته‌اند (نحاس، بی‌تا، ج ۲، صص ۴۵۲ و ۴۵۳؛ زجاج، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۷۷؛ هروی، بی‌تا، ص ۷۸؛ حاجی اسماعیلی، ۱۳۹۱ش، ص ۵۴؛ رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶، ص ۳۵۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۶۲۰؛ طباطبائی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۳، ص ۲۶۹). بنابراین با عنایت به آرای موافقان و مخالفان، لحاظ کردن «واو ثمانیه» در آیات فوق از موارد اختلافی است. لذا در صورت پذیرش کاربرد «واو ثمانیه» در این آیات، وجود معنای نمادین «شروع مجدد» محتمل است.

شمارواژه «ثمانیه» با همنشین «ازواج» در آیات «ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّانِّ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ ... وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ...» (انعام/۱۴۳ و ۱۴۴) و «...وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ...» (زمر/۶) استعمال شده است. در این آیات از میش و بز و شتر و گاو به همراه ماده‌های آنها نام برده شده که در مجموع هشت زوج را می‌سازند. بعضی، کلمه «ازواج» را جمع زوج و به معنای عدد دودانسته‌اند؛ لکن معتقدند «زوج» به هر یک از طرفین در رابطه زوجیت اطلاق می‌شود (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۴۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۹۱؛ مصطفوی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۳۶۰). برخی نیز معتقدند این چهار نوع از نظر اینکه هر کدام نر و ماده دارند، هشت زوج خواهند بود (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۹۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۹۹؛ خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۳۲۸؛ طباطبائی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص ۳۶۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۴۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۱۴). دیدگاهی دیگر، با عنایت به روایاتی زوجیت در این آیه را به همین چهار نوع حیوان که هر کدام شامل اهلی و وحشی می‌شوند، تعبیر می‌کند (بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۴۸۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۴، ص ۴۶۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۷۳). بنابر این آراء معنای شمارشی برای این عدد لحاظ شده است. لکن با توجه به اینکه «ثمانیه» در آیات مذکور، مجموعه‌ای از چهار دوتایی است، شاید بتوان این عدد را بیانگر مفهوم ضمنی «تعادل» نیز دانست چرا که به لحاظ عقلی، چهار زوج در کنار یکدیگر و در قالب یک عدد که همان هشت است، به تعادل رسیده‌اند. پیشتر نیز از اولین و اصلی‌ترین کاربردهای

معنایی نمادین «هشت» در فرهنگ‌های مختلف بویژه فرهنگ عرب جنوب شبه جزیره، به «تعدل و قانونمندی» تعبیر شد (جوادی‌علی، ۱۳۹۱ش، ج ۱۵، ص ۳۹؛ شوالیه، گریبان، ۱۳۸۷ش، ج ۵، ص ۵۴۶-۵۴۹؛ شپرد، ۱۳۹۳ش، ص ۲۵۹؛ کوپر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۷۱؛ نورآقایی، ۱۳۹۳ش، ص ۸۳).

بر این اساس افزون بر وجود معنای شمارشی برای «ثمانیه»، احتمال استفاده از معانی نمادین «تعادل، هماهنگی و قانونمندی» و نیز مفاهیم نمادین «فزونی» و «شروع مجدد» (تنها در صورت پذیرش استعمال «واو ثمانیه» در برخی آیات) در قرآن متصور است. لکن دلیلی بر استعمال معنای نمادین «قدسیت» برای این شمارواژه در کاربردهای قرآنی یافت نشد.

## ۲.۴ زوج

واژه «زوج» در قرآن ۸۱ بار استعمال شده و در غالب کاربردهای آن به هر کدام از طرفین در رابطه زوجیت اطلاق شده است. این واژه در برخی آیات به معنای «همسر انسان» آمده: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره/۳۵)؛ «وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِدُنُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَيَّ أَزْوَاجِنَا...» (انعام/۱۳۹)؛ «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ...» (توبه/۲۴)؛ «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً...» (نحل/۷۲). خداوند در این آیات برای بیان طرفین رابطه زوجیت از لفظ زوج استفاده کرده، بر خلاف فارسی امروزی که به دو طرف با هم اطلاق می‌شود. به رغم ویژگی‌های دو جنس زن و مرد و تفاوت‌های جسمی و روحی میان ازواج انسان، به بیان قرآن این تفاوت‌ها در رابطه زوجیت منجر به ایجاد آرامش می‌گردد «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...» (روم/۲۱). لذا از آنجایی که آرامش و سکون نوعی حالت تعادلی در انسان است، می‌توان حاصل زوجیت در انسان را همان تعادل و به نوعی تکمیل او از لحاظ جسمی و روحی دانست.

«زوج»، افزون بر انسان، به دیگر موجودات نیز اطلاق شده است. به عنوان نمونه می‌توان به «زوجین اثنین» (در هنگام سوار شدن به کشتی نوح) یک جفت از هر آنچه بود (هود/۴۰)؛ «زوجین اثنین» جفت میوه‌ها (رعد/۳)؛ «ازواج من نبات شتی» جفت گیاهان مختلف (طه/۵۳)؛ «ثمانیه ازواج» نر و ماده یا اهلی و وحشی از چهارپایان (انعام/۱۴۳) اشاره

کرد. در تمامی این‌ها زوجیت به همان مفهوم جفت بودن «be coupled» استعمال شده است. اینکه حضرت نوح (ع) یک جفت از هر چه را موجود بود، سوار در کشتی نمود می‌تواند ناظر به این معنی باشد که طرفین زوجیت، مکمل یکدیگر بوده و با هم به تعادل رسند تا آنچه بعد از نوح بر روی زمین باقی می‌ماند، نظامی متعادل و متوازن از موجودات را برقرار سازد.

بنابراین «زوج» در قرآن به معنای جفت شدن و پیوند یافتن دو شیء بوده که علی‌رغم داشتن تفاوت‌هایی، با قرار گرفتن در کنار یکدیگر به تعادل می‌رسند.

## ۵. کارکرد ماده «نزل»

شناخت دقیق مفهوم «ثمانیه ازواج» نیازمند بررسی فعل همنشین این اصطلاح در آیه ۶ سوره زمر است. خداوند در این آیه فعل «انزل» را به «ثمانیه ازواج» نسبت داده است، در حالیکه سیاق قبل و بعد، نشان از آفرینش انسان و مراحل آن با فعل «خلق» را دارد. لذا بررسی ماده «نزل» و چرایی استعمال آن در ارتباط با «ثمانیه ازواج» می‌تواند راهگشا باشد. ریشه «نزل» در فرهنگ‌های تطبیقی به معنای پایین آمدن، ریزش پیدا کردن و جاری شدن است (مشکور، ۱۳۵۷ش، ص ۹۰۲). این ریشه در زبان‌های عبری و سریانی و حبشی نیز به معنای «go down, flow, drop, fall» گزارش شده که بیانگر معنای ریزش و پایین آمدن است (leslau, ۱۹۹۱, p411; gesenius, ۱۹۳۹, p633; justrow, 1903, p892; costaz, ۲۰۰۲, 215).

فعل «انزل» از ریشه «نزل» در فرهنگ و زبان عرب به معنای «از بلندی به پایین آمدن = من علو إلى سفل» و «حلول» استعمال شده است (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۶۷؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۵۵؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۸۲۸؛ ابن سیده، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۵؛ زمخشری، ۱۹۷۹م، ص ۶۲۸). هر چند معنای ریشه «نزل» در زبان عرب تقریباً همان معنای بکار رفته در زبان‌های قدیم است، لکن مشتقات «نزل» دارای معنای دیگری مانند نُزُل (= آنچه برای مهمان مهیا می‌کنند) نیز می‌باشد (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۶۷). «ذو نزل» به معنای کسی که صاحب عطا و بخشش است (ازهری، ۱۳۴۷ق، ج ۱۳، ص ۱۴۴). «نزیل» یعنی مهمان (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۸۲۸) و «النُّزَاله» یعنی آنچه که برای مهمان آماده می‌کنند (زمخشری، ۱۹۷۹م، ص ۶۲۸) و «نزل» به معنای باران است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۶۵۹). به نظر می‌رسد معنای «آنچه برای مهمان آماده می‌کنند» و

«عطا و فضل» به نوعی تکریم طرف مقابل است که با نزول خیر به دیگران همراه است. بنابراین ریشه «نزل» در زبان عرب کاربردهای متنوع تری دارد که می‌تواند در ارتباط با همان معنای مشهور این ریشه یعنی «ریزش» باشد.

ریشه «نزل» در قرآن ۲۹۳ بار به کار رفته که از این تعداد فعل «انزل» ۵۸ کاربرد داشته است. «انزل» در قرآن به امور و عناصر فراوانی نسبت داده شده که شامل مفاهیم وحیانی چون «قرآن عربی، حکم عربی، تورات و انجیل، کتاب، حکمت، ذکر، فرقان، بینات، هدایت، برخی از خوراکی‌ها مانند گزانگبین و بلدرچین، مائده آسمانی، عوامل مؤثر در طبیعت و زندگی بشری، همچون آب (در قالب باران)، چهارپایان، آرامش در قالب خواب سبک، آهن، رزق، عوامل ماورای طبیعی مانند فرشته، جنود آسمانی، برخی از علوم مانند علمی که به دو ملک هاروت و ماروت آموخته شد» می‌شود. در تمامی این موارد آنچه عمل «نزل» به آن نسبت داده شده، گیرنده‌اش انسان است. مفاهیم وحیانی، خوراکی‌ها، عوامل موجود در طبیعت چون آب و آهن، علم و عوامل ماورای طبیعی همگی برای انسان نازل شده‌اند. بعضی به منظور کمک به حیات مادی بشر و برخی برای هدایت و کمال معنوی او نازل شده‌اند. از طرفی مکان نزول این موارد نیز ازجایی است که نسبت به انسان در موقعیت بالا قرار دارد «مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (بقره/۲۲)، «مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ» (مائده/۱۱۲) و ... و فرستنده آن نیز به تصریح آیات «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (بقره/۱۷۴)، «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ» (توبه/۲۶) خداوند است. بدیهی است تمامی این موارد باید خلق و موجود شوند و از عالم بالا برای بشر نزول یابند. لذا به نوعی خلق آنها و نزولشان با هم در ارتباط است. از این رو در آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآئِنِّي تُصْرَفُونَ» (زمر/۶) آنجا که سخن از انسان در میان است از فعل «خلق» استفاده شده و آنجا که به «انزال چهارپایان» اشاره شده، ضمیر «لکم» به کار رفته است. لذا در این آیه نیز همچون بقیه کاربردهای قرآنی «نزل»، انسان گیرنده «ثمانیه ازواج» است. بر این پایه می‌توان علاوه بر یکی انگاری «انزال» و «خلق» که بعضی از مفسران به آن اشاره کرده‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۵، ص ۳۶۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۱۴)، احتمالات معنایی دیگری را نیز برای «انزل» در آیه فوق بررسی کرد. اولین احتمال با نظر داشت اسناد ماده «نزل» به اموری چون «باران»، «عطا و فضل» و «خیر» در زبان عرب و کاربردهای قرآنی، قابل ارایه است. بدین سان که «انزال ثمانیه ازواج» بیانگر فروفرستادن

بارانی از «انعام» بر سر انسان هایی باشد که گیرنده آن هستند. به دیگر بیان، می خواهد بگوید انبوهی از چهارپایان را برای مخاطبان آیه فراهم کرده است. احتمال معنایی دیگری نیز برای اسناد «انزال» به «ثمانیه ازواج» در این آیه می تواند مورد توجه قرار گیرد و آن این که بعد از اتمام خلق «ثمانیه ازواج» مرحله «انزال» این موجودات برای انسان هایی که گیرنده آن هستند، آغاز می شود. یعنی خداوند در بهشت خلقتشان کرد و سپس به زمین فرستاد (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۴۲۴). برخی مفسران نیز از «انزال» در این آیه به «جعل» تعبیر کرده اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۶۷۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۱۲۴). برپایه این دیدگاه خداوند بعد از مرحله «خلق»، چهارپایان را در زمین قرار داده است. همان گونه که به بیان قرآن آهن، رزق و ... را برای بشر قرار داده است. احتمال سومی نیز با عنایت به کاربرد ماده «نزل» به معنای «به منزله چیزی در نظر گرفتن و بر اساس منزله اش تقدیر کردن» در آیه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزَلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر/۲۱) قابل ارایه است. بدین سان که کارکرد ماده «نزول» در آیه مورد بحث را نیز بتوان با مفهوم «تقدیر» تبیین نمود. این گونه که چهارپایان نیز برپایه منزله ای که برایشان در نظر گرفته می شود، تقدیر شده اند. برخی معتقدند که «نزول از آسمان» وصفی از قضای الهی و تقدیر اوست بدان سبب که وجود یافتن هر موجودی در لوح محفوظ نوشته شده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۱۴؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۴۲۴). برخی نیز به مفهوم تقدیر چهارپایان از خزینه های غیب ذیل این آیه اشاره کرده اند (طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۱۱، ص ۲۸۶؛ طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۷، ص ۲۳۸).

## ۶. کارکرد «سیاق» در آیه

بررسی رابطه «ثمانیه ازواج» با فعل همنشین «انزل» آن گاه دقیق تر صورت می گیرد که هر یک از احتمالات تفسیری مطرح شده، با نظر داشت سیاق آیه ۶ سوره زمر تحلیل گردد. آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِي تُصْرَفُونَ» (زمر/۶) را می توان به چهار بخش تقسیم نمود. بخش اول به آفرینش انسان از نفس واحد با استعمال فعل «خلق» و سپس جعل زوج از نفس واحد اشاره کرده است. در بخش دوم «نزول ثمانیه ازواج» را آورده و در بخش سوم، مراحل خلقت انسان را باز با فعل «خلق» بیان کرده و در نهایت به بیان ربوبیت خالق این موجودات پرداخته است. در این

سیاق «نزول ثمانیه ازواج» مابین دو بار اشاره به «خلقت انسان» طرح گردیده است. احتمال معنایی اول برای «انزل» مبنی بر فراهم کردن انبوهی از چهارپایان با بخش انتهایی سیاق آیه که از ملک و فرمانروایی پروردگار سخن می‌گوید، با در نظر گرفتن تنبه دادن مخاطبان به قدرت خویش، می‌تواند رابطه معنایی داشته باشد. این احتمال برای «انزل» با مفهوم نمادین «فزونی» برای «ثمانیه» در قرآن و ادیان و فرهنگ‌های مختلف همسان است. همچنین مفاهیم «پیوند یافتن و تقسیم» که در «زوجیت» لحاظ گردید، از آنجا که منجر به «تکثیر و فراوانی» می‌شود، رابطه معنایی نزدیکی با مفهوم «فزونی» دارد. رهیافت فوق، دلالت «ثمانیه ازواج» بر «فزونی چهارپایان» را محتمل می‌نماید. احتمال دوم که «انزال» را مرحله‌ای بعد از اتمام «خلق» می‌داند و از آن به «جعل» چهارپایان بر روی زمین تعبیر می‌کند، نیز با تکیه بر سیاق آیه قابل تبیین است. ابتدای آیه از «خلقت نفس واحده» و «جعل» زوجیت سخن گفته یعنی «زوجیت» را بعد از اتمام مرحله «خلق» قرارداد است. سپس برای انسانی که گیرنده «ثمانیه ازواج» است، به مرحله «انزال» این موجودات اشاره کرده که بایست پس از اتمام خلقتشان باشد، بدیهی است در این مرحله باید جهت بهره‌مندی انسان، روی زمین قرار داده شوند که بهترین تعبیر، «جعل» این حیوانات است و در ادامه به مراحل خلق درون بدن انسان اشاره کرده است. در نهایت تنبه انسان به قدرت و فرمانروایی‌اش را بر انسان و چهارپایانی که برای او خلق کرده، متذکر شده است. شاید بتوان احتمال فوق برای «انزل» را با معنای نمادین «شروع در سطحی دیگر» برای «ثمانیه» مرتبط دانست. بدین‌سان که پس از اتمام «خلق ثمانیه ازواج» مرحله «انزال» این موجودات در سطحی دیگر آغاز شده و در زمین قرار داده می‌شوند. قرارگیری چهارپایان روی زمین برای انسان‌ها، تحقق بخشیدن به خلقتی است که قبلاً صورت پذیرفته است. همانگونه که بر پایه معنای نمادین «شروع مجدد»، «هشت» یعنی تحقق آنچه هفت، آماده و کامل کرده بود. از دیگر سو «زوجیت» نیز نماد قطبیت و تقسیم است. از توالی تقسیم‌ها، حیات مادی استمرار می‌یابد. بنابراین مفهوم «شروع مجدد» در تقسیم‌های متوالی در هر مرحله می‌تواند لحاظ گردد. از این رو با لحاظ معنای احتمالی دوم یعنی «جعل» چهارپایان بر روی زمین احتمال تأیید مفهوم ضمنی «تجدید و استمرار حیات» برای «ثمانیه ازواج» قوت می‌یابد. سومین احتمال (به منزله چیزی در نظر گرفتن و بر اساس منزله‌اش تقدیر کردن) واجد مفهوم «اندازه‌گیری» و «قانونمندی» است. سیاق ابتدایی آیه بر خلقت انسان و قرار دادن «زوج» برای او حکایت می‌کند و «زوجیت» از منظر نمادشناسی رابطه‌ای تعادلی است. از آنجایی که قانونمندی در



یک مجموعه منجر به ایجاد نظم و حساب و کتاب می شود و در یک مجموعه منظم نیز اجزا در تعادل با یکدیگر قرار می گیرند، می توان رابطه معنایی نزدیکی میان قانونمندی، نظم و «تعادل» در نظر گرفت. لذا می توان این بخش از آیه را بیانگر تعادل و قانونمندی دانست. ادامه آیه (بخش سوم) به بیان نظم دقیق آفرینش در طی مراحل خلقت جنین انسان پرداخته است، در بخش انتهایی مراد از بیان این تعادل و قانونمندی در نظام آفرینش را تنبیه انسان به خداوند خالق او می داند. باید در نظر داشت سیاق آیه قبلی نیز «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ...» (زمر/۵) از خلقت بر حق آسمانها و زمین، پرده برداشته است. این بیان در آرای برخی از مفسران ذیل آیه فوق مشهود است. به عنوان نمونه این آیات نشانه‌ای بر وجود قانون برای پدیده‌های طبیعی دانسته شده (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص ۳۰۲) و یا از برحق بودن آسمانها و زمین به عدم اختلال در نظام آفرینش تعبیر شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۱۹). نیز از اشاره آیه به «تکویر لیل بر نهار» گوشه‌ای از تدبیر عجیب و تغییرات حساب شده و نظامات شگرف حاکم بر آنها دریافت شده است (طباطبائی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۷، ص ۲۳۷). با عنایت به معنای نمادین «تعادل و قانونمندی» برای «ثمانیه» در ادیان و فرهنگ‌های گوناگون و نیز مفهوم «تعادل» در رابطه «زوجیت» می توان معنای ضمنی «تعادل و قانونمندی» را برای «ثمانیه ازواج» با نظر داشت احتمال معنایی سوم یعنی «تقدیر کردن به منزله چیزی» برای «انزل» در نظر گرفت. براین اساس سیاق آیه ۶ سوره زمر با احتمالات معنایی مطرح شده برای فعل «انزل» که از سه معنای نمادین «فزونی»، «تجدید» و «تعادل» حکایت می کرد، رابطه معنایی نزدیکی دارد. نیز همین معانی در روابط معنایی میان «ثمانیه»، «زوج» و سیاق آیه مشهود است.

## ۷. نتیجه گیری

ترکیب «ثمانیه ازواج» در آیه ۶ سوره زمر با تکیه بر روابط معنایی «ثمانیه» با سیاق آیه، فعل همنشین «انزل» و معدود «ازواج» از منظر ریشه‌شناسی و نمادشناسی مورد واکاوی قرار گرفت. در گام اول برپایه بررسی ریشه «ثمانیه» در زبان‌های سامی و زبان عرب مفهوم شمارشی «عده‌هشت» و با تکیه بر نمادشناسی، معانی «تعادل»، «شروع مجدد»، «فزونی» و «قدسیت» برای «ثمانیه» به دست آمد. این معانی در قرآن نیز استعمال شده است. سپس ریشه «زوج» نیز با تکیه بر رویکردهای فوق مورد مطالعه قرار گرفت. معنای این ریشه در زبان‌های سامی، پیوند دادن، وصل کردن و تعادل و در زبان عرب، مقارنه و پیوندیافتن

برپایه رابطه مشابهت لحاظ شد. همچنین برپایه نمادشناسی، معانی نمادین قطیبت، تقسیم، قدرت مضاعف، توازن، ثبات و تضاد «زوجیت» در ادیان و فرهنگ‌های مختلف یافت شد. نیز باعنایت به ریشه‌شناسی و کاربردهای قرآنی، معانی احتمالی «فرستادن باران»، «جعل»، «تقدیرکردن» و «خلق» برای ماده «نزل» ارایه شد. با نظر داشت معانی فوق، رابطه «ثمانیه ازواج» و فعل «انزل» تبیین شد و سه احتمال معنایی برای «ثمانیه ازواج» افزون بر معنای متبادر «هشت زوج از چهارپایان» مطرح گردید. این احتمالات معنایی عبارتند از «فرونی چهارپایان»، «استمرار و تجدیدحیات» و «تعادل و قانونمندی». در نهایت سیاق آیات با نظر داشت معانی فوق مورد بازخوانی قرار گرفت. سازگاری معانی فوق با سیاق آیه، احتمال دلالت «ثمانیه ازواج» بر این معانی را قوت بخشید.

## پی‌نوشت

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری زهرا بشارتی

## کتاب‌نامه

قرآن

کتاب مقدس

ابن بابویه (صدوق)، محمدبن علی، (۱۴۱۳ق) من لایحضره الفقیه، محقق غفاری، محمدبن علی، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

ابن جوزی، ابوالفرج، (۱۴۲۲ق) زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالکتب العربی.

ابن سیده، علی بن اسماعیل، (بی تا) المحکم و المحيط الاعظم، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.

ابن عاشور، محمدبن طاهر، (۱۴۲۰ق) التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.

ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، (بی تا) المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام شافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن فارس، احمدبن فارس، (۱۴۰۴ق) معجم مقاییس اللغة، تصحیح محمد هارون عبدالاسلام، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴ق) لسان العرب، محقق میردامادی جمال الدین، بیروت، دارالفکر للطباعه والنشر و التوزیع، دارصادر.

بازتعریف دلالت «ثمانیه ازواج» در آیه ۶ سوره زمر ... ۶۱

ابن هشام، عبدالله بن یوسف، (۱۹۹۸م) *مغنی اللیب عن کتب الاعاریب*، به کوشش مازن مبارک و محمدعلی حمدالله، راجعه سعید الافغانی، بیروت، دارالفکر.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق) *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.

زهری، محمدبن احمد، (۱۳۴۷ق) *تهذیب اللغة*، تصحیح محمد هارون عبدالسلام و محمد علی نجار، قاهره، موسسه المصریه العامه.

امامی، صابر، (۱۳۷۸ش) *نماد و جایگاه آن در قرآن*، کتاب ماه هنر، ش ۱۲، صص ۳۲-۴۰  
بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۳۷۴ش) *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، نشر بعثت.

بلاغی نجفی، محمدجواد، (۱۴۲۰ق) *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم، بنیاد بعثت.

بهزادی، رقیه، (۱۳۸۲ش) *قوم های کهن در قفقاز، ماوراء قفقاز، بین النهرین و هلال حاصلخیز*، تهران، نشر نی.

ثعلبی، ابواسحاق، (۱۴۲۲ق) *الکشف و البیان*، تحقیق ابو محمدابن عاشور، بیروت، داراحیاء التراث العربی..  
حریری، قاسم بن علی، (۱۲۷۲ق) *دره الغواص فی اوهام الخواص*، تهران، بی نا.  
جعفری، یعقوب، (بی تا) *تفسیر کوثر*، قم، نشر هجرت.

جفری، آرتور، (۱۳۷۲ش) *واژه های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، نشرطوس.  
جمعی از نویسندگان ناشناس، (۱۹۹۲م) *رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء*، بیروت، الدارالاسلامیه.

جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق) *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، تحقیق أحمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.

حسینی زبیدی، محمدمرتضی، (۱۴۱۴ق) *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق علی هلالی، علی سیری، بیروت، دارالفکر.

خطیب، عبدالکریم، (بی تا) *تفسیر القرآن للقرآن*، بی جا، بی نا.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۳۰ق) *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دارالشامیه.

زجاج، ابواسحاق، (۱۴۱۴ق) *معانی القرآن و اعرابه*، تحقیق عبدالجلیل عبده الثلبی، قاهره، دارالحدیث.

زحیلی، وهبه بن مصطفی، (۱۴۱۸ق) *المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*، بیروت، دارالفکر.

زمخشری، محمود بن عمر، (۱۹۷۹م) *اساس البلاغه*، بیروت، دارصادر.

زمخشری، محمود بن عمر، (۱۹۷۹م) *کشاف*، بیروت، دارالکتب العربی.

سلطان علی شاه، محمدبن حیدر، (۱۴۰۸ق) *بیان السعاده فی مقامات العباده*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.

سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۶ق) *الاشباه و النظائر فی النحو*، موسسه الرساله.

شپرد، رونا، (۱۳۹۳ش) *هزار نماد در هنر و اسطوره*، ترجمه آزاده بیداربخت، نسترن لواسانی، تهران، نشرنی.

شوالیه، ژان، گریبان، آلن، (۱۳۷۸ش) فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، تهران، نشر جیحون.

شیخ طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴ق) *امالی*، تحقیق موسسه بعثت، قم، دارالثقافه.  
شیخ طوسی، محمدبن حسن، (بی تا) *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.  
شیرزاد، محمدحسین؛ شیرزاد، محمدحسن، هدایت زاده، محمدصادق، (۱۳۹۵ش) *رهیافتی زبانشناختی به برابری جنسیتی در قرآن کریم؛ تقدی بر فمینیسم اسلامی*، مطالعات قرآن و حدیث، ش ۲.  
شیمیل، آن ماری، (۱۳۹۵ش) *راز اعداد*، ترجمه فاطمه توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.  
صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق) *المحیط فی اللغة*، محقق آل یاسین، محمدحسن، بیروت، عالم الکتاب.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق) *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.  
طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش) *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصرخسرو.  
طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق) *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.  
طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش) *مجمع البحرین*، مصحح حسینی اشکوری، احمد، تهران، مرتضوی.

طیب، سیدعبدالحسین، (۱۳۶۹ش) *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، نشر اسلام.  
عاملی، ابراهیم، (۱۳۶۰ش) *تفسیر عاملی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.  
عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق) *تفسیر نورالثقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.

علی، جواد، (۱۳۹۱ق) *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بغداد، مکتبه النهضه.  
فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق) *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.  
فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق) *العین*، قم، نشر هجرت.  
فضل اله، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۹ق) *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک للطباعه و النشر.  
فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (بی تا) *القاموس المحیط*، بیروت، دارالکتب العلمیه.  
فیض کاشانی، مولی محسن، (۱۴۱۵ق) *الصابغی*، تهران، انتشارات صدر.

قرطبی، محمدبن احمد، (۱۳۷۲ق) *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دارالفکر.  
قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش) *تفسیر قمی*، محقق موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.  
کاشفی سبزواری، حسین بن علی، (۱۳۶۹ش) *مواهب علیه*، تهران، سازمان انتشارات اقبال.  
کویر، جی سی، (۱۳۹۲ش) *فرهنگ نمادهای آیینی*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، نشر علمی.  
مالمیر، تیمور، (۱۳۸۷ش) *جایجایی های عددی اسطوره های آفرینش نخستین انسان*، جستارهای ادبی، ش ۱۶۰، صص ۲۸۳-۲۹۴.

بازتعریف دلالت «ثمانیه ازواج» در آیه ۶ سوره زمر ... ۶۳

- مدرسی، سیدمحمدتقی، (۱۴۱۹ق) من هدی القرآن، تهران، دارمحبی الحسین.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق) بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مشکور، محمدجواد، (۱۳۵۷ش) فرهنگ تطبیقی عربی با زبان های سامی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- مشهدی قمی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۳۸ش) کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۳۸ش) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مقاتل بن سلیمان بلخی، (۱۴۲۳ق) تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- مبیدی، رشیدالدین، (۱۳۷۱ش) کشف الاسرار و عدته الابرار، تهران، امیرکبیر.
- نحاس، محمد بن محمد(بی تا) اعراب القرآن، تحقیق زهیر غازی زاهد، بیروت، مکتبه النهضه.
- نورآقایی، آرش، (۱۳۸۷ش) عدد، نماد، اسطوره، تهران، نشر افکار.
- هروی، علی بن محمد،(بی تا) الازهیة فی علم الحروف، تحقیق عبدالمعین الملوچی، دمشق، مطبوعات مجمع اللغة العربیه.
- یعقوب، امیل بدیع،(۱۴۰۸ق) موسوعه الحروف فی اللغة العربیه، بیروت، دارالجمیل.

Brun.S (1895), Dictionarium Syriaco – Latinum, Beirut.

Costaz, Louis (2002), Dictionarie Syriaque-Francais/Syriac-English Dictionary, Beirut Dar El-Machreq.

Gesenius, William (1939), A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament, ed. F.A. Brown, Oxford.

Jastrow, Marcus (1903), A Dictionary of the Targumim, London/New York.

Leslau, Wolf (1991), Comparative Dictionary of Geez, Otto Harrassowitz & Wiesbaden.

Lévi-Strauss, Claude (1974), Structural Anthropology, Basic Books.

Mucuch(1963) , A Mandaic dictionary, oxford clarendon press.